

مردم ایران در راه سرنگونی رژیم موجود مبارزه می کنند

شماره صد و شانزدهم

پانزدهم مرداد ۱۳۵۳

ششم

غارث نفت ، تازاج درآمد نفتی و خیانت های رژیم

عینی است برای پرده پوشی این خیانت بزرگ . فرایند با دیگر از روی سیاست نفتی رژیم پرده برمیداریم . غارث نفت شاه مدعی بود که بجای نفت خام ، فرآورده های نفتی و حتی اسپرین و پروتئین که ارزشی دهها برابر نفت خام دارد ، صادر خواهد کرد . کشور

نهم مرداد ، روزی که قرار داد جدید نفت با کنسرسیوم باصفا شاه رسید ، صفحه تازه ای در کتاب پر اوراق خیانت های شاه گشوده شد . تبلیغات پرصدا و بی طینت رژیم در سالگرد این روز ننگین ، کوشش

نمی توانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسک قرار داده سلب مسئولیت از خودشان بنمایند . اصل ۶۴ تصریح میکند که «مجلس شورا یا سنا میتواند وزراء را تحت مواخذه و محاکمه درآورد .» در اصل ۶۷ گفته میشود که «در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنا با کفایت تامه عدم رعایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار بدارند آن هیئت یا آن وزیر از مقام خود معزل میشود .» باین ترتیب معلوم است که عزل و نصب وزراء نه با شاه بی مسئولیت بلکه با مجلس است که نماینده مردم باشند . حال چقدر نفرت انگیز و شرم آور است که حکومت ، یا بهتر بگوئیم شاه ایران برای مشروعیت که خود و پدرش آنرا لگد مال کرده اند ، جشن بگیرد :

دیدار کمیته مرکزی حزب توده ایران با کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه - دوست صدیق مردم ایران

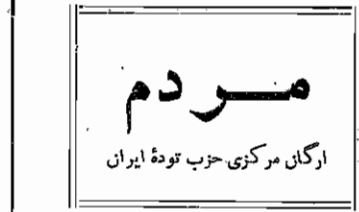
در ماه ژوئیه ۱۹۷۴ (مرداد ۱۳۵۳) ملاقات رسمی بین هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران و نمایندگان کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه انجام گرفت . طی این دیدار برادرانه هر دو هیئت نمایندگی در باره تحول اوضاع بین المللی و نیز در مورد اوضاع سیاسی ایران و فرانسه مذاکره کرده و تبادل نظر نمودند در پایان این ملاقات اطلاعیه مشترکی تنظیم گردید که حاکی از توافق کامل هر دو حزب در باره مسائل مطروحه است . متن کامل اطلاعیه مشترک دو حزب برابر در رادیوی بیگ ایران و شماره سوم مجله دنیا منتشر خواهد شد .

هیئت نمایندگی حزب توده ایران مراتب سپاس گزاری عمیق حزب ما و توده های مردم ایران را بمناسبت پشتیبانی بی دریغی که از جانب حزب کمونیست فرانسه نسبت به مبارزات مردم ایران علیه امپریالیسم و رژیم ترور و اختناق شاه ، همواره و بویژه بهنگام دیدار اخیر شاه از کشور فرانسه بنحو چشمگیر و همه جانبه ای تظاهر نموده است ، ابراز داشت .

نمی توانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسک قرار داده سلب مسئولیت از خودشان بنمایند . اصل ۶۴ تصریح میکند که «مجلس شورا یا سنا میتواند وزراء را تحت مواخذه و محاکمه درآورد .» در اصل ۶۷ گفته میشود که «در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنا با کفایت تامه عدم رعایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار بدارند آن هیئت یا آن وزیر از مقام خود معزل میشود .» باین ترتیب معلوم است که عزل و نصب وزراء نه با شاه بی مسئولیت بلکه با مجلس است که نماینده مردم باشند . حال چقدر نفرت انگیز و شرم آور است که حکومت ، یا بهتر بگوئیم شاه ایران برای مشروعیت که خود و پدرش آنرا لگد مال کرده اند ، جشن بگیرد :

تسلط انحصارها انحصار های نفتی بر اکتشاف ، استخراج ، صدور ، حمل نفت خام ، پالایشگاههای بزرگ و صنایع پتروشیمی کشور تسلط دارند . کوشش رژیم در جهت مسلط کردن هر چه بیشتر آنان بر منابع و صنایع نفت کشور است . تعداد کمپانها و انحصار های نفتی و کشور های امپریالیستی در کشور ما روز بروز بیشتر میشود و آنها هر کدام بر انبار هایی از نفت ایران چنگ می یازند و با انبوهانی از یغمای منابع ملی رو بزوال میهن ما بر غرور و قدرت خویش می افزایند . امریکا و انگلیس و هلند و فرانسه و آلمان فدرال و ایتالیا و ژاپن - این بزرگترین انحصارات جهان بیش از پیش بر منابع و صنایع نفتی کشور ما تسلط میشوند . شاه هر روز راه را برای فعالیت این کشور ها در بخشی از منابع نفتی و رسته های از صنایع نفت میهن ما هموارتر میسازد . وی منابع و صنایع نفتی ما را به حراج گذاشته است . این خیانت عظیم دیگری است که رژیم شاه مرتکب میشود .

تازاج درآمد نفتی رژیم کنونی درآمد حاصله از منابع نفتی کشور را بصورت گوناگون از خرید سلاحهای جنگی گرفته تا اعطای وام و اعتبار ، دوباره به کیسه انحصار ها و دول امپریالیستی باز میگردد . دولت ایران سالانه میلیاردها دلار صرف خرید کالا از کشور های امپریالیستی میکند ، میلیاردها دلار در راه تدارک سلاحهای نظامی بهتر میدهد و بیکمک مالی کشورهای امپریالیستی و سازمانهای مالی آنان که دهها سال بهین ما را غارت کرده اند ، برمیخیزد . میلیاردها دلار به انگلیس و فرانسه و بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و سایر کشورها وام و اعتبار میدهد . دولت ایران بجای سرمایه گذاری در داخل کشور صد ها میلیون دلار صرف تقویت مالی انحصار های نظیر کربوب دنباله در صفحه ۲



مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

۱۴ مرداد و ۲۸ مرداد (سالروز مشروطیت و کودتای ۲۸ مرداد)

چهارم و بیست هشتم مرداد دو سالروز است حکومت ایران در یک ماه آنها را جشن میگیرد: شن مشروطیت و دومی جشن کودتای امپریالیستی رداد . مشروطیت نتیجه جنبش انقلابی بورژوا - ائیک ایران است که هدف آن محور رژیم نئی قاجار ، طرد استعمار و برقراری آزادیهای آئیک بود . هدف کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برکنار رژیم استبدادی ، برقراری ساطه امپریالیستی بوب مردم بود که رژیم ناشی از آن در حال رژیم ایت فاشیستی و خود کامه . شاه در رأس از گرفته و سه قوه مقننه ، قضائیه و مجریه را ت خود متمرکز کرده است . در واقع ۱۴ مرداد ن مشروطیت و ۲۸ مرداد روز مرگ کامل آن است . این از مخصصات حکومت بی آرم ایران است برای زامن و هم برای مرگ هر دو جشن میگیرد و شادی میکند !

مشروطیت که خونهای یک انقلاب خونین بود ل های (۱۲۸۵ - ۱۲۹۰ شمسی) قانون اساسی در آن قوای سه گانه قانونگذاری ، قضائی و از هم تفکیک و « ناشی شدن آنها از ملت » نین آزادی عقاید ، احزاب و اجتماعات و مطبوعات تصریح گردیده ، بوجود آورد . بطور کلی این گرچه با مقتضیات زمان حال ما وفق نمیدهد ، حال تا حد زیادی مظهر تمایلات آزادیخواهان بران و نمودار نیروی آنها بر ارتجاع و استبداد سلطنتی در دوران خود میباشد . طبق این قانون ها جنبه تشریفاتی دارد و از هرگونه مسئولیت قوای سه گانه مبرا است . اصل ۵۵ قانون میگوید : « کلیه قوانین و دستخط های پادشاه مملکتی وقتی اجرا میشود که با مصالح وزیر رسیده باشد مسئول محبت مداول فرمان دستخط وزیر است .» اصل ۶۰ تا ۶۵ میگویند که «وزراء مجلسین هستند و در هر مورد که از طرف یکی سین احضار شوند باید حاضر گردند و نسبت به که محول به آنهاست حدود مسئولیت خود را رند .» اصل ۶۴ قانون اساسی میگوید «وزراء

دست رژیم تجاوزگر ایران از ظفار کوتاه!

همچنان خواهند جنگید . شاه که با تأخیر دریافته است که بیرونی بر جنبش ظفار آسان نیست ، در کنار ادامه این جنگ فرساینده از یکسو به لاف و گزاف ، در باره « جنگجویی نیرو های اعزامی ارتش ایران پرداخته » و از سوی دیگر فعالیت وسیعی را برای جلب رژیمهای ارتجاعی عرب در پشتیبانی از اقدامات خود در عمان آغاز نموده است . واقعیت آنست که هیچیک از کشورهای عرب که سلطان قابوس از آنان تقاضای کمک کرده ، حاضر به اعزام نیرو برای دخالت در جنگ علیه میهن پرستان ظفار نشدند و نه تنها حاضر به اعزام نیرو نشدند ، بلکه حتی ارتجاعی ترین رژیمهای عربی به اقدامات شاه در عمان با سوء ظن نگریستند ، تا آنجا که سلطان قابوس در برابر تیرهای ملامت سران کشورهای عربی به دفاع از خود پرداخته و گفته است : « در برابر دنباله در صفحه ۲

ارتش ایران بیش از پیش در ورطه جنگ پلید عمان فرو میروند . شاه ، که روزی خواب بویروزی نزدیک و آسان و بی چون و چرا برای خود و قابوس میدید ، جنبش آزادیبخش ظفار را « شورش صد نفر وحشی » نام نهاد . اما اکنون نزدیک به دوسال است که ارتش اعزامی ایران بشماره امپریالیسم امریکا و گوش به فرمانده انگلیسی ارتش قابوس ، درگیر این جنگ است و خبری از رویای طلایی شاه یعنی محور جنبش ظفاریست . در این دو سال تعداد نیروهای مسلح شاه در عمان از ۶۰۰ نفر به بیش از یازده هزار رسید . سیل اسلحه و مهمات و خاک ایران بسوی عمان جاری است . ارتش قابوس از ۳۰۰۰ نفر در عرض چند سال به ۱۲۰۰۰ هزار نفر افزایش یافته ولی آن « صد نفر » ادعائی شاه هنوز در برابر هزاران سرباز و افسرانگلیسی و عمانی و ایرانی و غیره میچنگند و تا بیرون راندن متجاوز از خاک خود و محور رژیم قرون وسطایی عمان

وطنه ای که شکست خورد

آن تاریخ ژنرال گریواس و سازمان تروریستی او کوشیدند با ایجاد یک هرج و مرج خونین در جزیره راه را بروی فاشیسم بگشایند . پس از مرگ گریواس نیکوس سامپسون که در شهر لندن سابقه حبس پنج ساله بچرم دزدی دارد و بنا به اعتراف خودش حویست زن و کودک را بدست خود کشته است ، جانشین وی گردید . نیکوس سامپسون فاشیست ، این گانگستر و جنایتکار حرفه ای را حامیان «دموکراسی» و «تمدن مسیحی» برگزیدند تا با کشتن اسقف ماکاریوس رئیس جمهوری قانونی ، کرسی او را نصب کنند ! برای نشان دادن سرشت تبه کارانه امپریالیسم کمتر میتوان نمونه ای از این بلیغ تر ارائه داد : « تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجلد .» دنباله در صفحه ۲

وطنه ای که سازمان جاسوسی امریکا بدست بود تیمتروس یواندیس (رئیس سازمان امنیت در قبرس تدارک دیده بود وهدف آن قتل اسقف یس رئیس جمهور قانونی قبرس و استعمار رژیم ی نیکوس سامپسون در این جزیره بود باشکست شد . دیکتاتوری خونین و ننگین چند روزه یل سقوط کرد . یواندیس و دولت فاشیستی تکیه گاهش در آن مجبور به کناره گیری شدند . برای اجراء قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل دتلی فاشیستی قبرس را محکوم و ضرورت استقرار ت مستقل و دموکراتیک آنرا تأیید کرد ، در زیره آماده تر شده است . کودتای قبرس که در اصطلاح دستگاههای ی امپریالیستی « عملیات پرزیدنت » نام گرفته واقع از سال ۱۹۷۱ زمینه چینی شده است . از

سرنگونی رژیم موجود شرط مقدم حرکت جامعه به جلو است

دوره ششم

شماره ۱۱۶ - اوت ۱۹۷۴

دنباله از صفحه ۱

۱۴ مرداد و ۲۸ مرداد

شورا برپا کرد، اصل ۴۸ قانون اساسی را بدین طریق تغییر داد که شاه میتواند هر یک از مجلسین شورا و سنا را جدا گانه و یا دو مجلس را در آن واحد منحل سازد. با این تغییر دو اصل دیگر قانون اساسی (پانزدهم و سی و هشتم) را که برای تأمین آزادی نمایندگان مجلس و مصونیت آنها از ازاب و تهدید وضع شده عملی نقض کرد. پس از تأسیس مجلس سنا برخلاف نص صریح قانون اساسی مجموع دو مجلس را بنام کنگره جانشین مجلس مؤسسان نمود.

کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد فرصت تازه‌ای بدست او داد تا برخلاف اصل ۴۹ قانون اساسی برای خود حق «توتو» در مورد کلیه قوانین از جمله قوانین مالی که سرنوشت دولتها، بدان بسته و از مختصات مجلس است، بوسیله «کنگروه» بدست آورد. چندی نگذشت که بیکباره عملاً طومار قانون اساسی را درهم پیچید و ادعا کرد که هنگام تعطیل مجلسین فرماندهی حکم قانون دارد و بدینسان حق وضع قانون را که منحصرأً طبق اصل ۱۷ متمم قانون اساسی از حقوق مجلس است بخود اختصاص داد.

بدین ترتیب شاه با مقله کردن قانون اساسی تمام قدرت را در دست خود قبضه کرد و در یک کلام همه کاره شد. این کار بدانجا رسیده که شاه «دموکرات» و «کسی که سالها مدعی بود در ایران دموکراسی وجود دارد» بر ملا خود را قادر مطلق اعلام می‌کند و بی پرده آزادی و دموکراسی را مضر بحال جامعه میدانند و آن را ایجاد مسخره می‌کند.

در اینجا فرصت آن نیست که بذکر تغییرات در قوانین جزائی و تشکیل دادگاههای نظامی بپردازیم. کافی است گفته شود که تنها در دو سال اخیر طبق آمار رسمی بیش از ۶۰ تن از بهترین فرزندان مردم ایران را با این «قوانین» در پیادگاههای نظامی محکوم باعدام کرده‌اند که بیشتر آنها با اتهام به «قیام علیه مشروطه» تیرباران شده‌اند!

امپریالیستها، شاه و حکومت دست نشانده او میتوانند ۲۸ مرداد را برای خود جشن بگیرند زیرا این کودتا از سوئی باامپریالیستها امکان داد تا بهدنبال باید خود برسد، منابع ملی شده نفت را غارت کنند و ایران را به بلوک نظامی «ستور» کشنده باقرارداد دو جانبه نظامی باامپریالیسم امریکا پیوند دهند، بر شهرگهای اقتصادی و مالی ایران مسلط گردند، ایران را به پایگاه تجاوز و تعرض علیه همسایگان تبدیل نمایند، فرماندهی واقعی ارتش ایران را بدست خود گیرند، صدای خلفای ایران را در کجای خفه کنند و از سوئی دیگر شاه و نوکران او و ارتجاع داخلی بر سر دو میلیون نفر مردم ایران فرمانروا و به ازصلی هوسهای پلید خود سرگرم باشند. اما برپا کردن، جشن مشروطیت از طرف آنها جز دهن کچی ب مردم، توهینی بشهدای راه آزادی و استقلال ایران چیز دیگری نیست. آنها امروز ۲۸ مرداد را جشن میگیرند و ۱۴

مرداد را هم بصورت مسخره آوری بنام سالروز مشروطیت حفظ میکنند ولی آیا ادامه این وضع برای شاه و یاران امپریالیستی او امکان پذیر است؟ آیا در جهانی که رژیمهای فاشیستی، دیکتاتوری و پادشاهی مانند پرتغال، افغانستان، پاکستان و یونان و اعمال آنها فرو میزینند و جنبش خلفها برای آزادی، استقلال و بهروزی هر روز اوج بیشتری میگیرد، ایران میتواند یک مورد استثنائی باشد؟ ایضا! شرایط جهانی بسود خلفا بطور مداوم در حال دگرگونی است، جبهه صلح و سوسیالیسم و جنبشهای ضد امپریالیستی هر روز نیرومندتر میشوند. نارضائی مردم ایران روز افزون است و علیرغم شرایط بسیار دشوار داخلی ایران، آتش مبارزه دیزتر میگردد، افق نژادپرستی و همکاری نیروهای ملی و دموکراتیک روشن تر میشود و سرانجام روزی که در آن رژیم سلطنت استبدادی واژگون گردد دیر یا زود فرا خواهد رسید و طبقه مبارزان دلیز ایران در جشن مشروطیت ریاد بود شوم ۲۸ مرداد تشدید مبارزه علیه رژیم و افشای آن بهر محک میباشند. ا. گویا

دنباله از صفحه ۱

غارت نفت، تاراج درآمد نفتی و خیانتهای رژیم

میکنند. چنانکه از گفتار روز ۵ مرداد ۱۳۵۴ رادیو تهران برمیآید، دولت ایران فقط در سال جاری ده میلیارد دلار از درآمد نفتی کشور را بصورت وام و اعتبار و سرمایه گذاری در کشورهای خارجی مصرف خواهد کرد. بازگرداندن درآمد ملی ما و به تاراج دادن منابع ارزی میبش ما خیانت دیگر رژیم حاکم بر سر نوشت مردم ایران است.

این چگونه منطقی است؟ رژیم که منابع ثروت و درآمد ملی ما را چنین بی پروا بر باد میدهد، برای توجیه خیانت های خود «منطق» خاصی بکار میبرد. دولت ایران گاه مدعی میشود که بکار انداختن درآمد هنگفت نفت در داخل کشور ایجاد تورم خواهد کرد، گاه میگوید که کشور ما بعلت فقدان کارگر ماهر و تأسیسات زیر بنائی قادر ب جذب سرمایه های هنگفت نیست. در اینجا این سوال منطقی پیش میآید: رژیم شاه که مدعی است ایران قادر به جذب درآمد اضافی، نفت نیست، چه اسرار در استخراج و صدور آن به کشورهای امپریالیستی دارد، چرا دولت ایران قادر به نفتی کشور را بمنظور بهره برداری صحیح تر و کسب درآمد بیشتر برای آینده ذخیره نمیکند؟ علاوه رژیم که مدعی است ایران قدرت جذب سرمایه بیشتر ندارد، چرا میلیارد ها دلار از کشورهای امپریالیستی امریکا و انگلیس و فرانسه و ایتالیا و آلمان قترال و ژاپن و غیره برای سرمایه گذاری به ایران جلب میکند؟ این اقدامات رژیم بر کدام منطق و بر کدام اصول اقتصادی مبتنی است؟

اینها همه بهانه است دعای رژیم در باره خطر تورم و یا عدم قدرت جذب تمام درآمد های نفتی سفسطه ای بیش نیست. این ادعا که استفاده از تمام درآمد نفت گویا باعث تورم میشود، ادعائی است بی پایه. با استفاده صحیح از درآمد نفتی در داخل کشور، بکار انداختن آن در راه رشد موزون و هماهنگ تمام فعالیت های اقتصادی و اجتماعی و تمام رشته های تولیدی، با اتخاذ سیاست مالی و پولی و بانکی و اعتباری صحیح، یعنی تمام آن چیزهایی که رژیم بعلت هزینه های سرسام آور غیر تولیدی نظیر هزینه های نظامی و اداری و غیره تاکنون نتوانسته است انجام دهد، میتوان از بروز تورم در داخل کشور جلوگیری کرد. در مورد جذب سرمایه نیز باید گفت که همین ما برای بهره برداری از منابع متنوع و سرشار طبیعی و استفاده از نیروی کار فراوان که بخش قابل ملاحظه‌ای از آن در حال بیکاری و نیمه بیکاری است، برای رشد سریع اقتصاد کشور و بهبود وضع زندگی زحمتکشانش و بر انداختن عقب ماندگیها و نارسائیهای اقتصادی و اجتماعی به ده ها و صد ها میلیارد دلار سرمایه گذاری نیاز دارد. برخی از دشواریهای موجود نظیر فقدان کارگر ماهر و کادرفنی و تکنیک و تکنولوژی معاصر که خود معلول سیاست ضد خلقی رژیم موجود است، دشواریهایی است که بخصوص با تکیه به کمکهای بی شائبه کشورهای سوسیالیستی و با ایجاد مناسبات سالم و برابر حقوق با کشورهای پیشرفته، در مدتی نه چندان طولانی میتوان بر آنها غلبه کرد.

باری، اینگونه دعای بی پایه سفسطه هائی است برای توجیه سیاست ضد ملی و ضد خلقی رژیم کنونی. شاه میخواهد از راه بازگرداندن درآمد نفت به انحصار ها و کشورهای امپریالیستی کمک کند و در عین حال برای جلب سرمایه های امپریالیستی به کشور تضمین بوجود آورد و سرانجام با ایجاد پیوند بیشتر و عمیقتر میان منافع رژیم استبدادی و ارتجاع داخلی و انحصار ها و دول امپریالیستی، پشتیبانی هر چه بیشتر آنان را جلب نماید. این نیز خیانت دیگری است که رژیم شاه نسبت به منافع و مصالح واقعی مین ما مرتکب میشود.

خیانت به منافع خلق های دیگر دولت ایران با استفاده از درآمد هنگفت نفت نقش پاسدار سلاح بدست منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی امپریالیسم را در خلیج فارس و مناطق همجوار آن به عهده گرفته است. رژیم شاه با استفاده از قدرت نظامی خود، بیبهای از دست دادن ده ها میلیارد دلار (که میتوانست در راه پیشرفت اقتصادی و بهبود زندگی زحمتکشانش ایران

دنباله از صفحه ۱

توطئه ای که شکست خورد

مجله «شینگل» منتشره در آلمان غربی جریان کودتا را چنین شرح میدهد: تنظیم نقشه کودتا چندین هفته طول کشید. دیپلمات روسی و یونانیس رئیس سازمان جاسوسی «اسا» دستور اجراء آنرا صادر کرد. این اقدام را به ژنرال کننیدیاوس سپردند. وی برای انحراف نظر، چند روز قبل از کودتا، بظاهر از کار خود استعفا داد و به آتن آمد. روز ۱۳ ژوئن هدف عمده این توطئه که قتل ماکزیوس بود از طرف دولت فاشیستی آتن رسماً تصویب شد. اما هدف سیاسی کودتا اجراء نقشه «انوریز»، یعنی الحاق قبرس به کشور یونان بود و درست همین هدف دولت ترکیه را که همیشه مخالف این الحاق بود به واکنش نظامی وا داشته است و این چیزی بود که ظاهراً در حساب توطئه گران واشنگتن و آتن وارد نمیشد. واکنش ترکیه، جناح شرقی پیمان ناتو را دچار بحران و اشتقاقی رسوا و مضحکی ساخت و بسیاری از نقشه ها را بهم ریخت.

پشتیبانی اصولی و محکم اتحاد شوروی در شورای امنیت از حقوق حقه مردم قبرس برای استقلال و دموکراسی، امپریالیستها را که این بار کوشیدند در «جبهه مشترک» عمل نمایند و در لافه سالوسیا و موخی گریهای خاص خودشان سعی بلیغ بکار بردند تا موضوع را بصورت مستعالی نمایند، عقب زد. در قطعنامه شوروی امنیت که باقتضای آراء تصویب شد، حقیقت بسود مصالح خلق قبرس که علیه باند خون آشام سامپسون جلاد مبارزه میکرد و در این مبارزه دو هزار قربانی داد پیروز شد. شکست فاشیستهای آتن و قبرس و اربابان امریکائی و انگلیسی آنها در امر پیش بردن توطئه، هنوز مرحله ای مقدماتی از یک روند فشریح است. تحولات اخیر یونان که منجر به سقوط دیکتاتوری فاشیستی ساخت پتاکوون و سیا شد و نیز وضع در جزیره قبرس باید بان سرانجامی که مطلوب خلق های این سرزمینهاست برسد. این نه فقط آرزو و خواست آنها، بلکه آرزو و خواست همه مردم جهانست. حوادث قبرس د یونان و بحران جناح شرقی ناتو در مدتیانه متمر مستقیم تغییر تنبلی نیروها در عرصه جهانی بسود صلح و برپایان جنگ و جنگ سرد و مظهر تازه ای از آنست. ما مطمئنیم که همین عامل مهم که تأثیر دائمی دارد در سیر آتی این روند اثرات خود را خواهد گذاشت. آری، آن دوران بی بازگشت سپری شده است که واشنگتن و لندن و دیگر همسایگان امپریالیست آنها نمیتوانستند بسود راهزنیهای غدارانه خویش در گستره جهان، هر زوری را که میخواهند بگویند و هر نقشه بست فطرتانه ای را که در سر دارند عملی کنند. ضعف و محدودیت امکانات آنها بیش از پیش دائره می افتد و برملا میشود.

حوادث قبرس مانند بسیاری حوادث دیگر سال های اخیر در جهان، درسهای گویا و عبرت انگیزی است که در درجه اول باید چاگران ایرانی امپریالیسم را از مستی بیخردانه اشان بیدار کند.

مصرف شود) به سرکوب جنبش های آزادیبخش در منطقه خلیج فارس و توطئه و تحریک علیه ملل و خلق های عرب و کرد و بلوچ در کشور های همسایه و علیه کشورهای مترقی و ضد امپریالیست در این منطقه پرداخته است. رژیم شاه با استفاده از درآمد نفت، علاوه بر نقش ژاندارم منطقه همچنین نقش دستیار امپریالیسم را بمنظور ایجاد رخنه اقتصادی و اعمال نفوذ سیاسی میان کشورهای در حال رشد آسیا و افریقا به عهده گرفته است. شاه با به عهده گرفتن این نقشهای خرابکارانه عملاً به صورت «نوج» امپریالیسم در آسیا و افریقا در آمده است. این خیانت عظیم دیگری است که رژیم شاه علیه جنبش آزادیبخش خلقها و در آخرین تحلیل علیه منافع ملی مردم ایران مرتکب میشود. تمام اینها حقایق رسوا کننده ایست که هر کدام به تنهایی محکومیت رژیم را در برابر مردم ایران و خلقهای دیگر نشان میدهد. دعای خود ستابانه

دنباله از صفحه ۱

دست رژیم تجاوزگر ایران از ظفار کو

شرکت نیروهای ایران در کنار نیروهای عمان در منطقه ظفار تبلیغات کمونیستی حقایق را در این تحریف کرده است. . . عمان حق داشته است از ایران چنین کمکی دریافت کند، چون این یک کشور اسلامی و علاوه بر این یک کشور، و همسایه است. . . (اطلاعات ۸ خرداد ۵۳ و بیانات اخیر وزیر اطلاعات عمان در مصاحبه مطب با روزنامه «الجمهوریه» چاپ قاهره بروشنی نش میدهد که رژیم عمان بعلت دخالت دادن این جنگ مورد انتقاد سران کشورهای عربی است. اطلاعات عمان میگوید: «موقعی که سلطان نشین یازده کارشناسان انگلیسی استفاده کرد، بجا یازدهت های عربی اعتراض کردند و موقعی که از اسراژ استفاده کرد باز هم. . . اعتراض نمودند. این صدای تازه ای میشود. دائر بر اینکه. . . ع کار شناسان کشور همسایه و اسلامی خود در این استفاده میرود. . . (اطلاعات ۶ خرداد ۱۳۵۳ اما چه کسی نمیداند که این «کار شناسان» نیروهای اعزامی ایران هستند که دوش بدوش فر انگلیسی ارتش عمان علیه میهن پرستان ظفار میج. علیرغم کوششهای پر دامنه شاه تا کنون فقط یک نفر از سران رژیمهای ارتجاعی عرب که به هیچوجه توفیقی در جنگ عمان پرداخته اند که به هیچوجه توفیقی رژیم محسوب نمیشود. افکار عمومی جهان عرب هم با قاطعیت مداخله رژیم شاه را در عمان محکوم جنبش دلیران ظفار پشتیبانی میکند.

شاه بدنبال کوششهای خود برای جلب مرتجع برخی از کشورهای عربی، به دگرگون جلوه جنبش میهن پرستان ظفار پرداخته و ناگهان «خواب» شده و ادعا میکند که کویانی ها با اوینفورم میهن پرستان ظفار علیه سلطان قابوس میجنگند، او بدو فرغ پیشرفته میخواهد باصطلاح دخالت پلید بر سر در جنگ عمان توجیه کند. هر جنبش میهن پرستان در گوشه ای از جهان بحق و بدون هیچ تردید پشتیبانی جمعه کشورهای سوسیالیستی و در اول اول تکیه گاه نیرومند آن اتحاد شوروی است و همین تکیه گاه نیرومند و مطمئن است که شاه و عناصر ارتجاعی جهان را بخود میبازراند. اما میان پشت جامعه کشورهای سوسیالیستی از جنبش آزادیبخش و دروغها و سفسطه های جارچاری تبلیغاتی رژیم، تفاوت از زمین تا آسمان است. این پشتیبانی نه فقط در مقابل سیاست تجاوز امپریالیسم و ارتجاع منطقه قرار دارد، بلکه در سیاست خاندانه رهبران مائوئیست چین است. جنبش رهائی بخش ظفار را به کار کرده بر عکس تسلی شاه و سیاست تجاوز کارانه او را تقویت و تأیید می کند. جنگ ویتنام درس آموزنده ای است.

ترین نیروی نظامی امپریالیستی در پیکار با خلق و که برای آزادی و استقلال خود میجنگند فرو مانده قضیحت تمام ناگزیر به عقب نشینی شد. ارتجاعی شاه با امکانات محدود نظامی و سیاسی و سر معنوی عالمگیر خود حقیرتر از آنست که بتواند اراده خلق ظفار برای آزادی و بهروزی پیروز ش رژیمی که خود بحکم تاریخ محکوم به زوال است. میخواهد رژیم روبرو دیگری را از ستونچاد این کوری است که عصا کش کور دگر شده است

توجه

آدرس حساب بانکی ما در برلن دموکرات برای خوانندگان نشریات توده در جمهوری فدرال آلمان نیست. دریافت کنندگان نشریات در جمهوری فدرال آلمان لطفاً بهای نشریات را بحساب بانکی در استکهلم حواله فرمایند. شاه و تبلیغات سفسطه آمیز چاگران وی نتوانند نخواهد توانست مبارزان راه آزادی و استقلال میهن را بفریبند. مسعود